

رفته مشارالیه با یوسف‌نام و دونفر تاجر بارفروش مشغول صحبت بوده، حسن‌بیک را باملازمش به قتل رسانیده رفتند.

نمره ۱۴۵

۲۸ ماه می ۱۹۱۷

درباب خالصه

به موجب تلگرافات اعیان و اشراف و علمایان بدتصویب حکومت برای خارج شدن املاک خالصه استرآباد که سپهدار به روسها سپرده است انواع اقسام رعیت دچار تحمیلات و فشار روسها بوده، جواب مساعدی رئیس الوزراء به توسط رئیس مالیه به حکومت تلگراف نموده است محمول املاک دولت را تصرف نمایند. حکومت هم اطاعت امر نموده چند انبار شلتوک که گماشته جنرال پاتایف در کتول و شهر و کردمحلله داشته توقیف کردند. تاجه اقتضا کنند. لکن برگشت خالصجات دولت در استرآباد اهمیت نداشته قصور با وزراء و اعیان طهران است که ملاحظه دولتی را با سپهدار می نمایند.

درباب قتل

دوازدهم ماه می روسها در جعفربائی یک نفر ترکمان را برای گرفتن اسباب و پول آن را بدقتل رسانیده، پیرمردهای جعفربائی بدشهرآمده خدمت قونسول عاجزانه تظلم نمودند. بعد از سه روز که در شهرمانده جواب مساعدی نرسیده رفتند.

درباب تلگراف مجلس

روز چهاردهم ماه مذکور از طرف مجلس ملی به حکومت و علمایان و تجار تلگرافی نمودند مدت دو سال وکیل سابق منقضی شده است. استرآباد ویموت دونفر وکیل لازم است. بعد از فرستادن تعرفه و کلارا معین نمائید. حکومت در بازار جار کشیده یوم پاتردهم علما و تجار و کسبه در مسجد جامع حاضر شده تلگراف را قرائت نمودند. آشوب طلبان از این تلگراف خوشوقت شده در جواب تلگراف تبریک عرضه داشتند. لکن از تاریخ رسیدن این تلگراف اهالی استرآباد مانند سال اول مشروطه یک مرتبه برهم خورده غرضهای سابقه را تجدید نموده هر یک به خیال خود عنوان شرارت آمیز اعیان در مجلس حکومت همه روزه باهم نزاع و جدال دارند. طوری منقلب شده اند و استرآباد هر چه و مرج است تاکنون این گونه اغتشاش دیده نشده. هر آینه از ترس قشون روس نمی شد احتمال داشت که اشرار تفنگها را بیرون آورده با ستاره آسمان جنگ نمایند.

درباب سرقت

طایفه یموت اولاً دزدی را حرفه خود می‌دانست، خصوصاً حالیه بعد از فشار روسها که برای آنها مالی و زندگانی نمانده، شب‌وروز در فکر دزدی و بردن مال مردم از دهات می‌باشند. يك طرف مال و شتر از طایفه خودشان سرقت کرده برای خوانین و مباشرین دهات آورده به سمت شاهرود و بسطام فرستاده می‌شود، يك طرف از دهات مال و رعیت را سرقت کرده می‌برند. تاجه‌شود.

درباب تلگراف خطایی... ۱۵ تر کمانها

برای وکیل طایفه یموت به رؤسای جعفربائی مخاברה شده است، حکومت تر کمانها را احضار به شهر نموده به قرب سی نفر از قضات و رؤسای جعفربائی به شهر آمده يك شب دیوانخانه توقف نموده در جواب تلگراف اظهارچاگری و تبریک عرضه داشته رفتند.

درباب روسها

قشون روس که در استرآباد و آق‌قلعه و نقاط دیگر مستخدم هستند ابدأ از رؤسا و صاحب‌منصبان خود شنوائی ندارند. لاکن این چندروزه بی‌اندازه باعث اذیت اهالی گردیده من جمله کربلائی حسین کرمی تبعه دولت فخمه انگلیس بیست و هشت تومان پول همراه داشته برای خریدن باغ به قریه امیرآباد يك فرسخی شمالی می‌رود. چهار نفر سالداد اورا گرفته خواستند پول را از او بگیرند. مشارالیه امتناع ورزیده باشکه دست اورا مجروح [کرده] و پول اورا گرفته رفتند. وکالت استرآباد رسماً به قونسول نوشته مشارالیه را با دست مجروح فرستاده، تاکنون به تسامح گذرانیده جوابی ندادند.

درباب خیر حکومت

بیست و پنجم ماه می حکومت جارکشیده برای فروش مشروبات قدغن سخت است. نصف اهالی شهر درخانه‌های خود عرق می‌کشند. چند نفر ارامنه که وظیفه آنها عرق‌کشی بوده حقوق حکومتی رانداه بودند. به این لحاظ جارکشیده هر کس عرق بفروشد مرتبه اول ده تومان جرم است. مرتبه دویم پنجاه تومان، مرتبه سیم دویست تومان بامجازات سخت است. علت آن هم کلیه فروختن عرق به روسهاست که بطری ده منات می‌فروشدند. سالداد مست شده داخل خانه‌های مسلمانها می‌شوند و مطالبه مادم می‌نمایند. یا اینکه درب دکان میوه‌فروشی رفته بدون جهت مردم را چوب‌زده و اسباب‌دکان را غارت کرده، کسی نیست به فریاد فقراء و بیچارگان برسد. تاجه اقتضا کند.

درباب ترقی جو و گندم

به قرب دو ماه است در استرآباد بارندگی نشده بود. جو و گندم بکلی ضایع و باطل شده، لاکن چند روز متواتر باران شدیدی آمد که برای آب رود جزئی فرقی حاصل

شد. زارعین باغ فالیز و پنبه را به خوبی کاشتند. به سبب نداشتن جو و گندم برنج ترقی کرده. برنج گرده دوازده تومان، امیری هفده تومان، آرد باری ده تومان، جو شش تومان می فروشند. امسال عمل معاش خیلی سخت است.

نمره ۱۵

۴ ماه جون ۱۹۱۷

درباب روسها

سیام ماه می جمعی سواره قزاق با بیرق نظامی به قونسلخانه می روند. اول تقاضا می نمایند صاحب منصب می خواهیم رؤسای قشون چرا نمی روند. ثانیاً کمیته ماها باید در قونسلخانه بوده باشد، چون متعلق به دولت است. قونسول جواب داده در قونسلخانه امکان ندارد، کمیته باید خارج از قونسلخانه بوده باشد. قزاقها به قونسول ایراد نمودند شما حقی ندارید پرخاش [کنید] و بلند حرف بزنید. حتماً يك منزل برای کمیته خالی نمائید. لذا قونسول تعهد نموده این مطلب را به مجلس پتر گراد اطلاع داده تا دستور العمل برسد. لکن حرکات وحشیگری که از روسها دیده شده ابداً مردمان ایران این گونه حرکات را در بلوای مشروطه نکردند. سگ توی کوچه راه می رود سالدادها می گویند امپراطور است که آزادانه گردش می نماید.

درباب کمیته

رئیس کمیته دکتر نظامی است که سالدادها محافظت می نمایند. در محله نعلبندان منزلی اجاره کرده هفته ای دو مرتبه عموماً در آن کمیته حاضر شده مذاکرات می شود. برای کم وسعتی خانه رأی داده اند در قونسلخانه کمیته را قرار بدهند. تاجچه اقتضا کند.

درباب بی غیرتی

محمد باقر خان سردار رفیع چندی است دونفر زن روسی را از بادکوبه آورده، یکی را به عنوان زنی ویکی را برای خدمتکاری نگاه داشته. شب دویم ماه چون دو ساعت از شب گذشته سه چهار نفر صاحب منصبان روسی به منزل حکومت رفته می گویند شما با این خانمها عیش می کنید ماهم میل داریم عیش نمائیم. سردار رفیع می گوید من به عنوان زنی آورده ام. جواب می گویند اگر خانم روسی را به عنوان زنی آوردید چرا بر حسب قاعده ملت ایران صورت آنها حفاظ ندارند. آنوقت چند توسری به حکومت می زنند و از منزلش بیرون کرده تا صبح با عیال حاکم عیش کرده می روند. حکومت بعد از توسری زیاد فرار کرده پهلوی منزلش به خانه فراشباشی رفته می خوابد. این است حکومت استرآباد که از اول هبوط حضرت آدم تا کنون به این بی غیرتی و بی تعصبی و بی ناموسی آدم

خلق نشده است.

درباب جواب تلگراف

به واسطه اذیت روسها به اهالی ایران و استرآباد و رفتن به خانه‌های مردم چند عریضه به کارگذاری داده‌اند. کارگذار هم به طهران راپرت داده بود. سیم ماه جون تلگرافی رئیس‌الوزراء توأم ۱۶ به حکومت و کارگذاری نموده است که با وزیرمختار مذاکره نموده به همین زودی قراری برای آسایش مردم داده خواهد شد.

نمره ۱۶

۲۱ ماه جون ۱۹۱۷

درباب دلتنگی قشون از قونسول

بدسبب همراهی نکردن رشیداف قونسول با حرکات وحشیانه قشون روس سوءظن از مشارالیه حاصل نموده چندین تلگرافات شکایت‌آمیز در پطرگراذ مخابره شده جوابی به آنها ندادند. در صورتیکه رشیداف جنرال قونسول است، آدم خیلی ملایم و پاکیزه و حسن سلوک دارد. لاکن در کارهای قونسولگری چندان جدوجهد ندارد. قشون از ایشان شنوائی نمی‌کند.

درباب احضار تراکمه

برای تعیین و کلای استرآباد همان تجار مشروطه‌خواه که حاجی‌شیخ حسین استرآبادی را در حکومت سردار افخم به طهران فرستاده و کالت داشت [و] از جمله دمکراتها محسوب و فراری بود، حالیه تعرفه رسیده حضرات مشغول عنوانات و کالت حاج‌شیخ حسین را با مردم می‌نمایند. بعضی را دوستانه فریفتند و بعضی را به خواهش وامی‌دارند رأی خود را درباره مشارالیه بدهند. برای کارهای خودشان و غرض شخصی که با نوع خود دارند و کالت حاج‌شیخ حسین را طالبند. روزنهم ماه جون به قرب دوست نفر تراکمه جعفر بائی و اتابائی و داز و دویچی به استرآباد آمده دیوانخانه رفتند. سردار رفیع به ایشان اظهار داشته یک نفر وکیل برای خودتان معین نمائید. افغان قاضی را ترکمانها به و کالت رأی داده به طهران بفرستند. تا چه اضا کند.

درباب مفتش روسی

دوازدهم ماه مذکور ده نفر مفتش روسی از راه قراسو به استرآباد آمدند جنگلهای استرآباد را گردش نموده به همان خیالات سابقه قرارداد سپهدار می‌باشند که جنگلهای

شمال را تصرفات نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب خالصه جات

بارسیدن احکامات تلگرافی برای رئیس مالیه و حکومت استرآباد گرمانویج گماشته جنرال پاتایف [پس از] مراجعت از روسیه به شیرگاه رفته بود روز پانزدهم ماه جون به استرآباد وارد [شده] اعتنائی به توقیف حکومت و تلگرافات دولت ندارد.

درباب رفتن قشون

روز ۱۷ کلیه سالدادهای که در اردو اقامت داشتند به سمت قراسو می روند. لکن هرپست که پراخوت می آید صدو پنجاه نفر سالداد به انضمام صدنفر شتر به روسیه می فرستند. تاجه شود.

درباب جشن

روز دوشنبه ۲۷ محمدباقرخان سردار رفیع هزارجریبی برای مولود اعلیحضرت احمدشاه بالباس رسمی سلام خاص نشسته قونسول و صاحب منصبان و رؤسای استرآباد تبریک [گفتند] و صرف شربت و چای نمودند. شب ۱۸ ماه جون قونسول و سایر صاحب منصبان را از خارجه و داخله دعوت شام نموده دوستانه موزیکانچی اردوی دولتی روس به توسط قونسول دیوانخانه آورده تا ساعت پنج از شب مشغول به هورا هورا بودند.

درباب روسها

ایضاً يك عده سالدادهای که در شاهرود اقامت داشتند ده نفر برای انجام کارهای اگنط گذارده دوپست نفر سالداد روز بیستم ماه جون وارد به استرآباد شده به سمت قراسو می روند. لکن قزاقها به قرب ششصد نفر تازه برای زمستانی اسبها توی شهر وصل به بدنه قلعه کهنه طویله و علیق تهیه می نمایند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۱۷۵

۹ ماه جولای ۱۹۱۷

درباب کموسر گنبد قابوس

شب جشن احمدشاه دعوت حکومت استرآباد قونسول با سایر صاحب منصبان و کمیسر بودند. موزیک روسها را حکومت آورده موقع سر میز دولتی موزیک می زدند. کمیسر می گوید سرود امپراطوری را بزینید. روسهای مشروطه خواه ایراد کرده به انجمن پطر گراد تلگراف می نمایند. امر شد او را از گنبد قابوس به شهر مراجعت داده حبس نمودند

که استنطاق شود. حکومت تاشکند از کمیته خواهش نموده کموسر را مرخص نمودند.

درباب نزاع

برای حمل برنج به صحرای یموت ترقی حاصل نموده حسن خان قاجار کفش دوز دوروز است با چند نفر اروسی دوز بارهای برنج را که از شهر خارج شده امر نموده فقرای شهر می‌چاپیدند. به تحریک آقا رمضانعلی تاجر مشروطه خواه حکومت فرستاد حسن خان را برده چوب مفصلی می‌زنند. مشارالیه چون از هواخواهان شیخ محمدباقر فاضل بود به قرب دو بیست [نفر] کسبه ازدحام کرده به منزل شیخ محمدباقر می‌روند. امر شد عنایت‌الله خان مسعود لشکر [را] که از بستگان حکومت است از منزلش کشیده، حسین خان فراشبندی را توی کوچه گرفته با کمال بی‌احترامی به منزل فاضل آورده حبس نمودند. شب بیست و پنجم ماه جون شیخ محمدباقر سه چهار نفر از مجتهدین را احضار [کرده] دو تلگراف یکی طبقه علما، یکی کسبه استرآباد به رئیس الوزراء و احمدشاه از تعدیات و بی‌شرفی حکومت شاکی شدند. بعد به توسط قونسول روس طرفین مقصرین را رهانموده بین آقا شیخ محمدباقر و حکومت را اصلاح ظاهری نمودند.

درباب نواقل

روز بیست و هفتم ماه مذکور به توسط حکومت و تصدیق آقا رمضانعلی، امیرخان رئیس مالیه درب ورود دروازه شهر را قزاق ایرانی گذارده مطالبه نواقل می‌نمایند. آقا عبدالکریم سادات مفیدی از زیارت خاسته رود به شهر آمده قزاق مأمور مطالبه باج نموده مشارالیه جوابی نداده می‌رود. قزاق تفنگی هوائی خالی می‌کند. اهالی محله میدان مستعد بوده قزاق را چوب واقعی زده [به] دوش کشیده به دیوانخانه می‌برند. تا چه اقتضا کند.

درباب ورود قزاق

سالداده کلیه از شهر خارج شده به قراسو رفته‌اند. در عوض آنها پانصد نفر قزاق جدید فرستادند. یک عده به آق قلعه رفته، باقی در شهر اطراق دارند.

درباب مرض

ناخوشی محرقه و مطبقه در استرآباد موسوم است به «قراخستگی». در شهر و صحرای یموت چندی است شیوع دارد. اکثر هم تلف می‌شوند. از غره ماه جولای منتشر شده. مرض «کلرا» در اتران توابع که نواحی بندر است بروز کرده. خبرهایی [به] توواتر میرسد. گاهی می‌گویند دروغ است، به سبب استعمال میوجات است. کم کم مطلب صحت پیدا کرده. اهالی نوکنده در اتران هشتیکه فراراً به جنگل رفته، تجار آرامنه ادارجات را بسته، گمرکخانه تعطیل [شده]. اگرچه بانک بندر جز به واسطه نداشتن پول مدتها است تعطیل

بود. در شهر هم قونسول به حکومت قدغن کرده کوچه‌های شهر را جاروب و پاک‌نمایند.

درباب سرقت

شب چهارم ماه مذکور میرزا جعفرخان منشی‌باشی قونسولگری برحسب دوره ماه رمضان بیرون رفته بودند، قزاق‌های روسی قفل منزل را شکسته، جعبه پول را برداشته می‌برند. در آخر باغ جعبه را شکسته، پول‌ها را بردند. از قرار مذکور مقدار وجه پانزده هزار منات کاغذ و طلا و پول سفید بوده است که سرقت شده. اقدامی هم تاکنون نشده است.

درباب ورود

کاپیتان روسی فرمانده قزاق جدید که مرکز را دربارفروش قرار داده بود حکومت با امیرامجد سی‌نفر قزاق خود را نفرستاده بودند، مشارالیه برای این مطلب به تهران رفته درجه سرهنگی از طرف پولکنیک گرفته و حکم سخت شده است. شخصاً بایک نفر صاحب منصب قزاق هفتم ماه جولای وارد به استرآباد شده تا قزاق‌های فراری روسی [را] مغلولا به بارفروش ببرند.

نمره ۱۸۵

۲۳ ماه جولای ۱۹۱۲

درباب خیوق

دهم ماه جولای خبر رسید بین امیرخیوق با خوانین آنجا نزاعی شده، چند نفر از طرفین مقتول شده است. خوانین خیوق از تراکمه استرآباد استمداد خواسته‌اند. روسها برای جلوگیری این امر احتمال دارد برعهده قزاق و قشون استرآباد بیفزایند. تا چه اقتضا کند.

درباب سنگ دوین

شیخ محمدرضا سلطان‌العلماء که به عنوان تیول چهارسنگ آب‌کتول و فندرسک را برده بالاورف کمیسر معزول شراکت نموده سه چهارقریه آبادانی کرده، فندرسک و کتول را بکلی ضایع و باطل کرده بودند، در این موقع کمیته ملی روسی که لاورف را به مقصری به روسیه فرستادند خوانین کتول به اتفاق رئیس مالیه تلگراف به طهران می‌نمایند، چهار سنگ‌آب دولت را سلطان‌العلماء به حمایت روسها برده جواب از وزارت داخله رسید آب را به محل سابقه برگردانید. بیان‌السلطان معاون مالیه امر نمود آب‌ها را انداختند و دوقریه اطراف سنگ‌دوین را... آقاخان امیرامجد آتش زدند. سلطان‌العلماء آنچه به قونسولخانه می‌رود و تظلم می‌کند قونسول جواب مساعدی به ایشان نداده رعایای سنگ دوین هم

ازداشتن آب متفرق می‌شوند. تاچه اقتضا کند.

درباب اسمعیل خان قاتل امیر اعظم

مشارالیه درگر دامغان منزل دارد. ۱۴ ماه جولای خبر رسید چندسوار به شاهکوه علوی فرستاده هزاروپانصد تومان پول و روغن و گوسفند گرفته رفتند. ایضاً برای سردار رفیع حکومت معزول خبر رسیده اسمعیل خان خیال دارد اسبهای شمارا از چهارباغ چپاول نماید. بیست و پنج نفر از محمدآباد تفنگچی به چهارباغ فرستاده قراول باشند. تا چه اقتضا کند.

درباب حکومت

چندی است در طهران مذاکره حکومت استرآباد است و سردار رفیع معزول است. به اسم سه نفر می‌گویند. سردار افخم است یا صاحب اختیار و انتظام الدوله. همین چندروزه معین خواهد شد.

درباب مرض کلرا

به عرض رفته بود در اتزان توابع شیوع دارد نوکنده بیست و چهار نفر زن و مرد تلف شدند. لیوان بیست و هشت نفر. در گلوگاه تازه بروز نموده تاکنون به شهر و اطراف اثری نیست.

درباب کمی آب

دوماه است در استرآباد و بلوکات خشکی هوا آبهای رود را بکلی نقصان آورده اکثر نقاط مزروعه نصف آب رودخانه‌ها کسر ۱۷ شده و بعضی چاه‌ها بکلی قطع. گرمی هوا شدت دارد. بیست و شش درجه رسیده است و زراعت شلتوکی نسبت به سال قبل ثلث عمل آمده و گندم و جو خیلی کم و ترقی دارد. تاچه اقتضا کند.

جو چهل و پنج من تبریز ۷ تومان - گندم ولایتی ابدآ یافت نمی‌شود. گندم شاهرود سفید ۸۵ من تبریز ۱۳ تومان - روغن تبریزی ۲۵ تومان - قند پعیط ۲۴ تومان - شکر قرمز پوط ۸ تومان - برنج گرده - ۱۳ تومان

نمره ۱۹۵

۶ ماه اگست ۱۹۱۷

درباب قتل لیوان

به واسطه مجادله بین رئیس مالیه و گرمانویج گماشته جنرال پاتایف مباشرین قراء

خالصه دوفرقه شده‌اند. در لیوان هشت فرسخی مغربی بین کدخدایان محل تراغ سختی گردیده سه نفر مقتول یک نفر مجروح می‌شود.

در باب سلطان العلماء

به عرض رفته بود به واسطه حمایت روسها شیخ رضای سلطان العلماء آبهای کتول و فندرسک را درسنگ دویین من محالات کتول برده چند قطعه آبادی بنا نهاده، در این موقع که لغزشی بر کارهای دولت روس افتاده خوانین کتول و فندرسک وقت را غنیمت دانسته آبهای خود را بر حسب احکامات شرع و عرف می‌برند. خصوصاً امیرامجد با سلطان العلماء مرافعه نموده دویست تومان به حکومت داده حکم شرع و عرفی را گرفته، دو قریه نزدیکی سنگ دویین را که سلطان بالاورف جدیداً ساخته آتش می‌زنند. آبهای سنگ دویین را بکلی قطع کرده که زراعت آبی بکلی خشک و نابود می‌شود. سلطان العلماء به کارگذاری می‌رود تظلم کرده به توسط میرزا علی اکبرخان مترجم قرارداد پانصد تومان سلطان العلماء به کارگذار و مترجم قونسولگری رشوه بدهد ایشان همراهی از سلطان العلماء نمایند. حکمی از حکومت [گرفته] و کارگذاری هم تصدیقی به سلطان داده باقنبرخان غلام قونسول به سنگ دویین می‌روند که آبهارا برگردانیده به قراء سنگ دویین بیاورند. خوانین کتول و فندرسک با معاون مالیه اعتنائی نکرده جلوگیری می‌نمایند. غلام قونسولگری برگردیده عجاله کارگذار با میرزا علی اکبرخان مترجم برای خوردن وجه مذکور در امورات سلطان العلماء مذاکره پولتیکی می‌نمایند. تا اینکه پولهای رشوه تحلیل رفته و سلطان العلماء هم خسته شده به عقب کار خود خواهد رفت. تاچه اقتضا کند.

در باب باران

به قرب دو ماه است باران نیامده. آبهای رود به ثلث رسیده. اکثر دهات برای معاش مایوس شده، یک طرف گرسنگی، یک طرف پریشانی و قرض و نداشتن غله که جو را [من] تبریزی پنج هزار می‌فروشدند. خداوند ترحم فرموده از بیست و هفتم ماه جولای الی غره ماه اگست باران صحیحی آمده که عموم رعایا و اربابان ملک از گرفتاری آسوده شده، امیدواری برای زندگانی سال آتی دارند. تاچه شود.

در باب سرقت

در این مدت اغتشاش از بس تراکمه اتابائی و ایلغی و داز مالهای طایفه جعفربائی را به سرقت برده‌اند ناعلاج رؤسای طایفه جعفربائی افغان قاضی را رئیس قرارداد و دویست نفر از جعفربائی سوار گرفته موجب آنها را ایلات بدهند. سوارهای مذکور برای سرقت اموال طایفه خودشان ساخلوگیری نمایند. تاچه شود.

در باب روسها

تلگرافاً خبر رسیده است قشون آلمانی ریکا را تصرف و محاصره نموده سالنادهای

روس میل به جنگ ندارند. حکم شده است قزاقها را بفرستند. روز چهارم ماه اگست از طرف قونسولگری اعلان شد چهارصد رأس مال حراج ۱۸ می شود. پنجاه رأس رابه قیمت نازل یکی ده تومان الی پانزده تومان فروختند. تاجه اقتضا کند.

در باب مرض کلرا

برای بروز ناخوشی «کلرا» دولت علیه بر حسب تمنای دولت روس قدغن اکید نموده است اهالی ایران رابه خاک روسیه راه ندهند و تذکره هم نمی دهند. مجدداً برای رفت و آمد تراکمه گموش تپه و حسینقلی وساکن چکشلر که آب شیرین ندارند باید از خوجه نفس برای آنها بالتکا آب ببرند. قدغن شده و قراول گذارده پراخوت پست قدغن شده سه هفته توقیف است. تاجه اقتضا کند.

نمر ۲۵۵

۲۵ ماه اگست ۱۹۱۷

در باب قراء خالصه

بر حسب احکامات وزارت داخله و مالیه و تلگرافات به حکومت تاکنون انبارهای شلتوک در قراء کتول توقیف بوده است. گرمانویج تلگرافاً به سفارت طهران... ۱۹... شده است. جواب برای قونسول روس رسیده است قراء خالصه متعلق به سپهدار اعظم [را] در تصرف گماشته جنرال پاتایف بدهید. حالیه گرمانویج دعوی خسارت می کند می گوید سی هزار تومان حکومت خسارت وارد کرده. به این حرفهای پولتیکی بیست و نه هزار تومان که باید مالیات سه ساله را به رئیس مالیه استرآباد بپردازد بهانه جوئی کرده در عوض مطالبه خسارت می نماید. تاجه شود.

در باب مرض کلرا

در نوکنده هشت فرسخی مغربی سیصد نفر در لیوان دو بیست نفر، باغو بیست و نه نفر، گلوگاه هشتاد نفر تلف شده و حالیه به ساری و اطراف آنجا بروز نموده است.

در باب سرقت

دهم ماه اگست يك رأس اسب از مال تراکمه چاروا به انضمام هشت رأس مادیان از صحرای یموت ترکمان سرقت کرده برای سردار رفیع می آورند. صاحب اسب تعاقب کرده به دیوانخانه می رود و مطالبه اسب را می نماید. سردار رفیع می گوید از روسها خریدم.

۱۸- اصل: هراج.

۱۹- يك کلمه ناخوانا. شاید: ساکی.

ترکمان جواب داده روسها سه ماه است مارا چاپیدند، لکن اسب من را دوشب استسرقه آورده اند. ناعلاج برای افتضاح خود اسب را بایک خلعتی به ترکمان داده روانه نمودند.

درباب روسها

چندی شهرت داشت قشون روس از استراباد خواهند رفت. چنانکه سی نسفر در آق قلعه قراول گذارده بقیه را بردند و سالداده را که به قراسو فرستاده بود [ند] سیصد نفر در آنجا توقف دارند. از روز شاتردهم ماه اگست انتشار داده شده پنج هزار قشون وارد استراباد می شوند. متدرجاً با عرابه اسباب و جعبه های چوبی سربهمهر از قراسو وارد می نمایند و چند نقطه توی شهر را نماینده قونسولگری از طرف قونسول امر نموده برای صاحب منصبان که وارد می شوند تخلیه نمایند و عده ای قزاق را توی شهر منزل داده، برای مالها طویله ساخته و مشغولند. در صورتیکه بیرون دروازه اردوی مفصلی از چوب و نی و کالی بنا کرده اند و همه آن مکانها خالی افتاده. چند نفر قراول برای چهار عراده توپ دارند. خانه های استراباد راهم تخلیه می نمایند. اوایل به اسم کرایه بود، لکن حالیه می گویند کرایه نیست، خزانه دولت خالی شده است. تاچه اقتضا کند.

نمره ۲۱

۶ ماه سپتمبر ۱۹۱۷

درباب رئیس قشون

لواء الدوله دومه قبل از ریاست قشون اسمی استراباد معزول بوده یعنی قشونی نداشته بواسطه پریشانی و قرض و نرسیدن حقوق به مشارالیه تا به حال توقف داشته، بیست و دویم ماه اگست سیصد و پنجاه تومان حقوق عقب افتاده مشارالیه را حواله دادند. وجه را گرفته قروض خود را پرداخته بیست و ششم ماه مذکور در منزل ساعدالسلطنه نقل مکان کرده که یوم بیست و هفتم حرکت نماید. از راه کتول به طهران می روند. روز مذکور صبحی را سردار رفیع یک رأس اسب تعارف فرستاده حین حرکت تلگراف ایضاً به توسط حکومت از طرف وزارت جنگ رسیده که به مأموریت خود وی مشغول [باشد] و توقف نمایند. نتیجه به توسط پست کتباً می رسد.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید اهالی کتول از کثرت پریشانی سر جاده [را] گرفته، هر کس را بخت و عریان کرده اعتنائی به حکومت و مباشرین ندارند. جو و گندم یافت نمی شود. برنج [من] تبریزی چهار هزار است.

درباب فرقه دموکرات

عده دموکراتهای استرآباد هشتاد نفر می‌باشند و علناً بعضی اظهارات ایشان نسبت به روسها گفته می‌شود که بر علیه روسها کار می‌نمایند و قونسول روس هم مطلع شده. لکن سخت گیری نمی‌کند. هر آینه جنگ بین الملل به زودی ساکت شود احتمال خطر برای دموکراتهای استرآباد دارد. در شاهرود عده دموکرات یکصد و چهل نفر می‌باشند. از بجنورد تفنگ زیادی هم برای فرقه مذکوره حمل شده به توسط آقامحمدعلی ساعت ساز به شاهرود وارد کرده‌اند.

دربا ب تصرف خالصه

سخت گیری وزارت مالیه برای خالصجات استرآباد یکصد و شاترده خروار شالی رئیس مالیه تصرف کرده فروختند. گرمانویچ گماشته جنرال پاتایف مایوس شده به سمت شیرگاه مازندران می‌رود. اهالی آنجا هم تجری کرده مشارالیه را با کمال بی احترامی به خود راه ندادند بیرون کردند.

درباب روسها

سلخ اگست هشتاد نفر داوطلبانه قزاقهای روسی برای رفتن به جنگ ریکا حاضر شده بروند.

درباب کلرا

این مرض امسال حکم تب و نوبه را دارد. از خطه آمل الی استرآباد، از شاهرود الی خراسان منتشر شده. در هر نقطه که بروز نموده سه چهار نفری فوت شده و رفع می‌شود. یک هفته می‌شود از جعفربائی بد شهر سرایت کرده. در محله سرپیر یک نفر زن را گرفتند است هجده ساعت فاصله فوت شد. در محله درب نو سه نفر را در یک خانه مرض عارض شده فوت شدند. در محله بنی کریمی دو نفر فوت شدند. لکن یک ثلث اهالی شهر از ترس فرار کرده بیرون شهر و به جنگلها رفتند. در شاهرود سه نفر مسافر فوت شده است. تا چه اقتضا کند.

درباب رفتن ایوانف

بعد از مدت دو سال معزولی در استرآباد توقف داشته بدون حقوق مشغول اسب بازی بود تا اینکه وزیر امور خارجه روس که با ایوانف دشمن بوده معزول می‌شود. دیگری که تصویب گردید با جنرال ایوانف دوستی دارد. از کثرت خوشحالی برای گردش به سمت شاهرود می‌رود. مراجعت از راه کتول برگردیده که دزدان می‌خواستند او را لخت نمایند. فرار کرده به شهر وارد شد. جزئی اسبابی از فرش و لباس حراج کرده، هشت رأس اسب خود را به فون صمصام آلمانی مباشر قریه فاضل آباد امانت داده روز ششم ماه سپتمبر به سمت

پطر گراد عزیمت کرده. اولاً به خیال جنرال قونسولگری طهران، ثانیاً به مأموریت استرآباد که حقوق جنرال قونسول را بدهند، ثالثاً به خیال جنرال قونسولگری آذربایجان. لکن زمان حرکت از بعضی استرآبادیها و خوانین اظهار دلتنگی داشت و به قرب هفت هزار تومان هم به حاج محمدرضا تاجر استرآبادی مقروض است.

نمر ۲۲۵

۲۵ سپتمبر ۱۹۱۷

درباب عروسی

علیقلی خان مسعودالملک سرتیپ هزارجریبی صبیح مرحوم محمدباقر سردار رفیع را برای پسرش عروسی می‌نماید. خوانین مازندران و رؤسای استرآبادی را از ششم ماه سپتمبر دعوت نموده رفتند. بیست‌روز دعوت داشتند. از قرار مذکور دوازده هزار تومان مخارج عروسی نموده در صورتیکه چهارهزار تومان قروض پانزده‌ساله خود را نداده است.

درباب چپاول

دهم ماه سپتمبر برای استقبال زائرین خراسان از شهر جمعی می‌روند دوفرسخی مشرقی درخیرات، نیم‌فرسخی سه‌نفر ترکمان ایلیغی، سه‌نفر از مستقبلین را لخت کرده یک قبضه تفنگ ورندل، ده‌تومان وجه بادورأس مال چپاول کرده بردند.

درباب بی‌شرفی حکومت

خانم روسی که چندی است منزل سردار رفیع بود، برای رفت و آمد صاحب‌منصبان روسی بین خانم باسردار مجادله شده و خانم روسی مصاحبت عمومی را میل داشته. سردار رضایت نداشته. آخر الامر نزاع می‌نمایند. خانم مزبور متعرضانه ۲۰ میل اطاق سردار رفیع را به میهمانخانه نزد خواهرش فرستاده با صاحب‌منصبان قرار می‌دهند حکومت را توی کوچه توسری نمایند. سردار متوحش شده چند نفر تفنگچی در کلاه‌فرنگی قراول گذاشته مبادا در منزلش او را توسری نمایند. نا علاج سردار مطلب را به کارگذار اظهار داشته مشارالیه بین ایشان را جزئی التیامی داده است. تا چه اقتضا کند.

درباب روسها

هفتصد نفر عده قزاقهای روسی می‌شود که تماماً توی شهر و کنار بدنه منزل داشتند. از ترس ناخوشی شهر را تخلیه نموده تماماً در بیرون شهر اردو رفته منزل نمودند. به

قرب ده نفر از آنها به مرض «کلرا» فوت شده‌اند.

درباب ناخوشی

الیوم که بیستم ماه سپتمبر است به قرب هفتاد نفر در استرآباد به این مرض تلف شده‌اند. خداوند ترحم نماید. شب قبل هم باران خوبی باریده، هوا خیلی مساعد و سرد شده‌است. اسکناس روس صد عدد چهار تومان و نیم است، کسی نمی‌خرد.

نمره ۲۳

درباب غارت

بیست و چهارم ماه سپتمبر تلگرافاً خبر رسید در یک فرسخی سبزوار پنج نفر سارق سه گاری زایرین استرآبادی ساکن نوکنده هشت فرسخی مغربی را چپاول کرده هزار و شصت تومان وجه نقد با اجناسی که قابل بود گرفته رفتند.

درباب سرقت

شب ۲۶ ماه مذکور دزد اتابائی دو رأس مال، سه رأس گاو از قریه محمدآباد یک فرسخی شمالی سرقت کرده بردند.

درباب چپاول

شب بیست و هشتم ماه سپتمبر تراکمه طایفه دازکه از گرسنگی و فقرات ۲۱ سلف کنجد را می‌خورند مجبوراً برای دزدی و راهزنی به گرمابدشت چهار فرسخی مشرقی خطه شاهرود رفته یک دسته مکاری را چپاول کرده سی و پنج تومان وجه نقد با پنج رأس قاطر و الاغ را گرفته بردند. لکن بی‌اندازه به طایفه یموت سخت می‌گذرد. اکثر گاو مویشی ندارند، برخی که زراعت جو و گندم داشتند امساله عمل نیامده، ابدأ اسم و رسمی ازغله نیست. جو چهل من تبریز دوازده تومان - گندم چهارده تومان - برنج شانزده تومان - آرد شاهرود بیست تومان. در شهر اکثر فقراء به مرض «کلرا» مبتلا شده به سبب پریشانی تلف می‌شوند.

درباب روسها

یک عده اجزاء توپخانه و صاحب منصبان یا مریضخانه دولتی منزل داشتند یا باتمام لوازمات خود از میان شهر حرکت نموده به اردوی بیروت شهر رفته، بیشتر یا از ترس مرض «کلرا» از شهر خارج شده یا اینکه عزیمت به روسیه دارند. لکن در این موقع

ناخوشی تمام قشون دولتی را «انجکسیون»^{۲۲} نموده‌اند.

درباب قتل عظیم درمازندران

سلخ ماه سپتمبر خبر رسید چون حکومت مازندران به ظهیرالدوله صفاعلیشاه واگذار گردیده اجزاء ایالت به اتفاق پسرش ناصرعلی خان وارد می‌شوند. ضرغام السلطان همشیرهزاده اسمعیل خان امیر مؤید قصوری داشته، ناصرعلی خان که در جوانی خیلی خوش‌منظر و باکمال بود ضرغام السلطان را احضار کرده بعد از ورود دونفر قزاق را قدغن کرده ضرغام را توقیف [کرد] تا از اندرونی مراجعت نماید. ضرغام متوحش باموزر به سمت اندرونی فرار می‌کند. ناصرعلی خان مراجعت به دیوانخانه توی دالان ارگ با ضرغام مصادف شده سه‌تیر باموزر به ناصرعلی خان زده از در اندرونی فرار می‌کند. بیرون دیوانخانه به‌خانه زنی رفته خود را پنهان در صندوق می‌نماید. ملازمان بادونفر قزاق اطراف خانه را گرفته داخل می‌شوند. سر صندوق را بلند کرده دونفر را هم ضرغام تیرزده مجروح [شدند]، توی صندوق او را مقتول [ساخته] بعد با دوش به دیوانخانه برده دار می‌کشند. بعد از فوت ناصرعلی خان پسر ظهیرالدوله خیال می‌نمایند به تحریک شریعتمدار بارفروش است که میل به حکومت حاج ظهیرالدوله نداشته. امر به قزاقخانه شده شریعتمدار را به اداره می‌برند. عده‌ای از هواخواهان شریعتمدار به تلاطم آمده سردار مکرم برای اسکات خلق از اداره قزاقخانه توسل^{۲۳} نموده شریعتمدار را به منزل ایشان بفرستند برای قتل پسر حاج ظهیرالدوله استنطاق بشود. پنج نفر قزاق شریعتمدار را به منزل سردار مکرم می‌برند. هواخواهان مشارالیه ازدحام کرده شریعتمدار را از چنگ قزاقها نجات بدهند، چون عده قزاق کم بود مجبوراً دوسه تیری برای شریعتمدار خالی کرده فوت شد. عجالتاً ناصرعلی خان و قاتل او ضرغام السلطان و رامینی و یک نفر ملازمش با شریعتمدار به قتل رسیده مازندران اغتشاش کلی دارد. تاچه اقتضا کند.

درباب نزاع

کردم‌محله چهارفرسخی مغربی برای شلتوک نزاعی اتفاق افتاده ملک رمضان کدخدا سران طایفه کردم‌محله است به تحریک رضاقلی خان پسر مرحوم محمدباقر خان، صفرعلی خان نامی چندزخم‌کار به ملک رمضان وارد کرده‌است.

درباب مرض کلرا

الیوم که چهارم اکتبر است مرض «کلرا» در شهر تخفیف یافته تاکنون دویست نفر فوت شدند. لکن در قراء مشرقی و مغربی شدت کرده بعضی ازدهات را خیلی صدمه وارد کرده‌است.

۲۲- (= انژکسیون).

۲۳- اصل: تمثل.

نمره ۲۴۵

۲۲ ماه اکتبر ۱۹۱۷

درباب مازندران

به عرض رفته بود بعد از قتل شریعتمدار و ضرغام السلطان تمام فتنه برای خوردن يك قریه املاك دولت بوده است که به تحریک شیخ غلامعلی شریعتمدار مقتول آشوب و انقلاب برپا شده. در شهر ساری چند نفر سوارهای کردکوی با قزاقها نزاع می نمایند. لکن قتل واقع نشده. اسمعیل خان امیر مؤید به حمایت قتل ضرغام و شریعتمدار جمعیت زیادی به علی آباد چهار فرسخی ساری وارد کرده سردار نصرت کلبادی کاغذی به ایشان نوشته است، حال اتفاقی افتاده و عجالتاً خاموش شده است هر آینه شما به ساری وارد بشوید لابد آتشی دوباره مشتعل خواهد شد. خواهشمندم سکوت نمائید. اداره قزاقخانه هم شیخ حسین نامی [را] که آشوب طلب بوده توقیف کرده اند. تا چه اقتضا کند.

درباب روسها

چهل و پنج نفر قزاق از روسیه وارد، چهل و پنج نفر عوض آنها مرخص شده. زمان رفتن از شهر تا قراسوبه هر نقطه رسیده اذیت اهالی را فراهم کرده بیرون دروازه احمد آقا اخوی و کالت را چوب مفصلی زده يك قاب ساعت نقره، سه تومان پول سفید، صدمات کاغذی [ی] داشته گرفته رفتند. يك فرسخی شمالی زارعین را چوب زده قدری اسباب آنها را بردند. در طایفه جعفر بائی دو قبضه تفنگ سه تیره با یکصد تومان اسباب زندگانی ترکمان را گرفته روز یازدهم ماه اکتبر به قراسو از آنجا به روسیه رفتند.

درباب عزل رئیس مالیه

امیرخان مسیحی که ریاست مالیه شاهرود را داشته، مالیه استرآباد را به معاون خود میرزا علی اصغر خان واگذار کرده بودند چندی قبل به تحریک سردار رفیع دمکراتها چوب مفصلی به مشارالیه می زنند. يك نفر رئیس برای مالیه شاهرود فرستاده شده، مجدداً امیرخان ارمنی به ریاست مالیه استرآباد مأمور و علی اصغر خان معزول است.

درباب عزل حکومت

۱۴ ماه مذکور برادر معاون حضرت نایب الحکومه تلگرافاً خبر می دهد حاج فخرالملک کردستانی دو سال قبل استرآباد سه ماه حکومت داشته مجدداً مأمور است. شب شانزدهم ماه اکتبر حکومت مذکور به نوید الممالک رئیس تلگرافخانه خبر می دهد از طهران حرکت کردم. سردار [رفیع] دیوانخانه را تخلیه نموده توی شهر منزل می نماید.

درباب ورود قونسول جدید

والیف مشهور به دارو کولف هفت سال قبل زمان ریاست حاج شیخ حسین مشروطه خواه در استرآباد بوده بد مأموریت اصفهان و همدان [رفته بود] از آنجا به اردبیل و مأمور سرخس بوده، به استرآباد تلگرافاً امر می شود به قونسولگری استرآباد، روز هیجدهم ماه اکتبر وارد قراسو شده مأمورین ایران بامعاون کارگذاری و اجزاء قونسولخانه يك فرسخ استقبال کرده به احترام لازمه اورا مقارن غروب نوزدهم اکتبر وارد به شهر نموده. تا چه اقتضا کند.

درباب قتل ترکمان

شب بیستم ماه اکتبر سه نفر ترکمان طایفه اتابائی بدقریه علوی کلانته يك فرسخی مشرقی دزدی رفته اهالی قریه خبردار شده سارقین راتفنگ می زنند. گلوله به دست سارق از شانیه خارج شده به دیگری وارد [گردیده]، دو نفر زخمی به صحرا رفته يك نفر فوت شد.

درباب مرض کلرا

با اینکه هوا سرد شده است باز هم در شهر جزئی اثری باقی است. به قرب چهارصد نفر نفوس در شهر تلف شده. در سرخونکلانته دوفرسخی مشرقی بروز کرده شصت نفر متجاوز فوت شده. درکتول و فندرسک چندی است اهالی مبتلا می باشند. در اتران نیز عودت کرده.

نمره ۲۵

غره نوامبر ۱۹۱۷

درباب شورش بخارا

به موجب عنوان جمعی از تراکمه جعفربائی که از بخارا و سمرقند و خیوق اطلاع کاملی دارند این است جماعت سنت به سبب هم مذهب بودن نسبت به مسلمانها تعصب فوق العاده دارند، اولاً افغانستان چندی است به حمایت عثمانی میل به جنگ دارند. قراردادى که امیر حبیب الله خان در لندن و هندوستان با فرمانفرما داده است نمی تواند داخل به جنگ بشود. لیکن خلق بخارا را محرك می باشند. چندی قبل که طایفه خیوق یا تکه باروسها نزاعی کرده بودند اینک خبر رسیده است جماعت بخارا اتفاق کرده آنچه فرمانده روسی در آنجا بوده بیرون کرده استقلال می خواهند. تا چه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب بیست و چهارم ماه اکتبر دزد طایفه اتابائی به قریه جعفر آباد نیم فرسخی مشرقی شش رأس گاو سرقت کرده بردند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید دزد طایفه داز به قریه میرمحلده سه فرسخی مشرقی رفته يك رأس مال، دورأس گاو به سرقت بردند.

درباب قتل

شب بیست و هفتم ماه مذکور سدنفر ترکمان جعفربائی به قریه یساقی سد فرسخی مغربی رفته ظاهراً بادونفر اهالی قریه همدست بوده گاوی سرقت کرده می برند. بین راه دونفر رعیت یساقی [را] که رفیق آنها بوده بدقتل می رسانند. اهالی قریه در مقام تقاضا برآمده چهارنفر ترکمان را از قریه صیدمیران گرو می نمایند. منتشر است يك نفر را کشته، سه نفر را رها می نمایند.

درباب روسها

زمان ورود قونسول جدید دارو کلف تاکنون دموکراتهای استرآباد برای بداخلاقی وتندی سابقه مشارالیه خودشان را جمع کرده علناً اظهاری نمی نمایند. در ضمن ۲۴ قونسول هم در این باب کنجکاوی می نماید عده دموکرات به چند نفر رسیده و مقصود آنها چیست؟ چند نفر اجزاء قونسلخانه که خارج شده بودند آنها را به جای خودشان برقرار می نمایند. با کمیته قشونی روس هم کمال همراهی و مراقبت را دارند.

درباب حکومت

سلخ ماه اکتبر حاج فخرالملک از شاهرود تلگرافی احوالپرسی از جناب آقاسید جمال رئیس العلماء نموده در صورتیکه جناب مشارالیه چهارده روز است به مرض فلج مبتلا شده و حکیم نظامی روس مشغول معالجه می باشد. ایضاً تلگرافی به ساعد السلطنه و امیر امجد نموده موقتاً نایب الحکومه باشند. صد دست لباس بایک صد قبضه تفنگ از رئیس قشون خواسته است.

درباب ناخوشی

الیوم که غره نوامبر است در استرآباد چند نفر به مرض «کلرا» مبتلا شده سه نفر فوت [شده] لکن اکثر از فقارت ۲۵ و نداشتن دوا و غذا است.

۲۴- اصل: ظمن.

۲۵- بجای فقر.

نمره ۲۶۵

۱۴ ماه نوامبر ۱۹۱۷

درباب سیم تلگراف

دویم ماه نوامبر خبر رسید ترکمانهای اترکی باز بنای شرارت را گذارده سیم تلگراف روسی را از چند نقطه بریده بودند. قونسول میرزا جعفرخان منشی را باده نفر قزاق فرستاده سیم را بسته تحقیقات [کرده] و اسامی تراکمه را گرفته آمدند.

درباب سرقت

شب چهارم ماه مذکور دزد طایفه اتابائی توی شهر آمده شش رأس گاو بدسرقت می برند.

درباب کمیته روسها

چند روز است کمیته نظامی روس برهم خورده رئیس کمیته که دکتر نظامی بود به روسیه رفتند.

درباب ورود

چهارم ماه نوامبر حاج فخرالملک از شاهرود حرکت نموده روز هفتم به اتفاق انتظام الملک نایب الحکومه رسمی به انضمام پانزده سوارگوداری بسطامی و بیست و پنج نفر سرباز عرب و عجم وارد بدخیرات دوفرسخی گردیده شب را توقف کرده روز هشتم دو ساعت بدغروب از طرف قونسول یک نفر نماینده با اسب استقبال رفته به احترام زیاد وارد دیوانخانه شدند.

درباب غارت

روز نهم یک نفر آخوند با عیالش از راه ساری به استرآباد عازم بوده شش فرسخی مغربی چند نفر فیوج آخوند را لخت کرده شش تومان وجه نقد بالباس آخوند را بدیغما بردند

درباب گرانی

استرآباد آثار قحط پدیدار است. گندم وجو ابدأ یافت نمی شود. امیراعظم حکمران شاهرود قدغن کرده است گندم و حبوبات و میوجات را به استرآباد نیاورند. گندم خرواری پنجاه تومان است. لکن برای سال آتی خیلی مشکل است، چون رعیت تخم ندارند که زرع و کشت نمایند. فقط قوت استرآبادی برنج است و الا امسال در تمام مزرعه شلتوکی در بلوکات استرآباد حاصل خوبی نداده است. از آن طرف برای بی آذوقه بودن

طایفه یموت شالی سرخرمن ترقی کرده خرواری بیست تومانی فروخته اند که چهل من شاه است. سه ماه دیگر را خداوند رحم نماید که اهالی فقرا از گرسنگی و نداشتن آذوقه تلف خواهند شد. اسب و مال باری که ابدأ قیمت ندارد، اسبهای دو بیست تومانی یکصد تومانی [شده]. یابوی باری هفتاد تومانی بود حال بیست تومانی می فروشند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۲۷۵

۱۹ ماه نوامبر ۱۹۱۷

درباب قشون

بعد از ورود حاج فخرالملک بقیه سوار که جمعاً پنجاه نفر می باشند و بقیه سرباز عرب و عجم که جمعاً یکصد نفر مأمور استرآباد بود وارد گردیده به توسط لواء الدوله رئیس قشون لباسی برای آنها تهیه گردیده، سوارها در کاروانسرا منزل دارند. سربازها دوازده نفر مستخدم اداره حکومت [شده] و بقیه در تکیه نعلبندان اطراق کرده اند.

درباب سرقت

اگرچه ترکمانها دزدی را جزو رشادت خود می دانند لکن امسال برای ضیق معیشت و فقرت* مجبورند برای دزدی، شب چهاردهم ماه نوامبر پنج رأس گاو از کریم آباد نیم فرسخی شمالی سرقت کرده بردند. از گرسنگی فقط گوشت گاو می خوردند.

درباب هزار جریب

ایضاً خبر رسید سالاراکرم پسر سردار رفیع که حاکم هزار جریب است برای اذیت کردن به رعیت و جمع کردن جو و گندم به قیمت سهلی آن هم به قوه جبرییه، اهالی به هیجان آمده شورش کرده او را از هزار جریب بیرون نمودند و خانه او را آتش می دهند. در ضمن دو نفر هم مقتول شده اند.

درباب قتل

شب هفدهم ماه نوامبر دودسته دزد طایفه ایلفی و داز به قریه آهنگر محله دودانگه دوفرسخی مشرقی دزدی می روند. یک دسته از قریه دودانگه سه رأس مال سرقت می نمایند. اهالی قریه خبردار شده تعاقب کرده جنب قریه چوپلانی با دسته دیگر مصادف می شوند. مولام ترکمان که از بیست [سال] قبل در شرارت مشهور بوده و چند دفعه زن از شهر و دهات به صحرا برده بارعیت دودانگه نزاع [کرده] دست به بیخه می نمایند، مولام مزبور باینکه قصیرالقامه ۲۶ بوده و کم جثه با کارد شکم ملک اسمعیل را پاره نموده به قتل رسید.

بعداً اورا با چهار رأس اسب گرفته به قریه آورده سرش را بریده به توسط اهالی سرخونکلاته به صحرا فرستادند.

درباب روسها

شب نوزدهم ماه نوامبر يك ساعت از شب گذشته بیرون دروازه بسطام که اردوی نظامی روسی است بنای شلیک توپ و خمپاره‌های تازه الوان و بام ۲۷ و نارنجک ۲۸ زیادی به عنوان مشق در اردوی بیرون دروازه خالی نمودند که باروت و خمپاره‌ها توی شهر ریخته زیر حد قونسلخانه به منزل کریمها وارد شده يك باب‌خانه جنب مسجد کریمها ۲۹ آتش گرفته اهالی شهر خاموش کردند. به توسط کارگذاری به قونسول اطلاع داده به رئیس قشون قدغن نمایند من بعد نمایش توپها را طرف شهر نیندازند. تاچه اقتضا کند.

درباب نظمیہ

از طهران به رئیس مالیه استرآباد حکم صادر شده ماهی چهارصد و پنجاه تومان برای اداره نظمیہ بودجه معین شده به موجب قبض برسانید و ریاست نظمیہ با معین قاجار است که شصت نفر پولیس [را] اداره نماید. عجالاً دوازده نفر پولیس در شهر گرفته ماهی شش تومان حقوق می‌دهند.

نمبر ۲۸۵

۲۹ ماه نوامبر - ۱۹۱۲

درباب حکومت

حاج فخرالملک شخصاً آدم بی‌حال و بی‌کفایت است. انتظام‌الملک نایب‌الحکومه که حکیم خانوادگی حکمران است و خود را به دموکرات معرفی نموده ابدأ در امورات حکومتی بوئی نبرده بلدهم نیست چه نوع رفتار نماید. در صورتیکه توی شهر چند فرقه باهم ضدیت دارند. فقط چند نفر تجار [ند] که با حزب ۴۰ دموکرات معیت نموده برای مقاصد شخصی همراهی دارند. حاج فخرالملک در باطن دموکرات است. حاج عز‌الممالک ولد حکمران با حاج شیخ حسین استرآبادی که وکیل مجلس بوده‌اند حالیه در فرونت عثمانی می‌باشند. فرقه دیگر پسران حاج سیدظاهر در محله میدان، يك دسته متعلق به شیخ محمدباقر فاضل در محله سرچشمه، فرقه سیم دموکرات است، به اتفاق سردار رفیع در

۲۷- (بمب).

۲۸- اصل: نارنجیک.

۲۹- مسجد میر کریمی. (استرآبادنامه).

۳۰- اصل: حذب.

امورات حاج فخرالملک اخلاص و کارشکنی می نمایند. اگرچه حاج فخرالملک دوسال قبل سه ماه ونیم حکومت نموده است حالیه هم گمان نمی رود که زیاد از سابق بتواند حکومت نماید. تاچه اقتضا کند.

درباب تقاضای شاهرود

چون کابینه وزراء تغییر نموده سردار رفیع حاکم استرآباد معزول شده، دوهزار تومان برای حکومت شاهرود تقدیم نموده بیست و سیم ماه نوامبر حکم تلگرافی رسید حکومت شاهرود باشما است. حقوق حکومت شاهرود ماهی دو بیست و پنجاه تومان است.

درباب قتل

بیست و پنجم نوامبر یک نفر ترکمان دوگونچی از شهر آرد می برد، دو فرسخی شمالی او را به قتل رسانیده مال و بار آرد را می برند.

درباب قیمت

گرانی استرآباد را به عرض رسانیده، در صورتیکه سر محصول برنج است برنج کرده باری ۱۶ تومان، امیری باری ۲۲ تومان، روغن یک من ۶ تومان، آرد ولایتی باری ۱۵ تومان، آرد شاهرود ۲۲ تومان، نان یک من ۱۸ قران. تاجرین استرآباد برای نفع خود به دستیاری آخوند ملا محمد قاسم که رئیس فرقه دموکرات است بیست هزار تومان پولی به عنوان قرض بدهند از خوانین و ملاکین پانصد بار برنج خریداری چهارده تومان، شاترده تومان به مصرف فروش برسانند و شلتوک خالصه را به قیمت متداول خریداری، برنج آن راهم به قیمت مذکور بفروشند. حالیه دکانی در بازار به شراکت چهار نفر باز شده است. منشی حاجی سید مهدی - دفتر دار آخوند ملا قاسم - ترازودار حاج محمد رحیم و حاج احمد. لابد از خرید شالی و برنج که به فروش می رسد و ظاهراً باری یک تومان حق الزحمه می گیرند مبلغ شش هزار تومان نفع آنها خواهد بود. تاچه اقتضا کند.

درباب شاهرود

روز بیست و هشتم ماه مذکور هفت نفر دهاتی به شهر می آمدند. دو نفر قزاق قراول آق قلعه به عنوان شکار بین راه ایشان را جلوگیری نموده دوازده تومان وجه نقد داشتند از آنها گرفته، رعایا فراراً به شهر آمده تظلم نموده، گاهی تراکمه را لخت می نمایند. روسها که علناً مردم را چاپیده بعد از استنطاق و ثبوت جواب از قونسول می رسد بیست و چهار ساعت حبس می کنم. تاچه اقتضا کند.

درباب ورود

اليوم که بیست و نهم ماه نوامبر خبر رسید کنیاز مرکن به اتفاق لاورف کموسر سابق به قراسو وارد شده محرك تراکمه خواهند بود.

نمره ۴۹

۱۵ دسمبر ۱۹۱۷

درباب روسها

سلخ ماه نوامبر خبر رسید در تاشکند بین قزاقها و صلح طلبان نزاع سختی گردیده، قزاق یورش آورده اسلحه را از آنها بگیرند، جنگ عظیمی شده. دوسه هزار نفر طرفین مقتول شدند. ایضاً توی ماشین مابین قزاق و سالداد تراعی می شود. طرفین زد و خوردی نموده به قریب چهارصد نفر قزاق روس که از ۳۵ الی ۳۷ سن آنها بوده مرخص شده و تمام مالهای دولتی را بازین و برگ به قیمت نازل فروخته و رفته اند تماماً توی ماشین راه تاشکند گرفتار شده اکثر کشته شده اند. عجاله چهارصد نفر دیگر در استرآباد توقف دارند. اکثر همه روزه اسبهای خود را حراج کرده می فروشند و این عده به واسطه بعد وطن خود که آخر سیبری باشد مالها را فروخته از راه دریا می روند و برخی که از خشکی عازمند از ترس صلح طلبان است که دچار نشوند اسبهای خود را نمی فروشند و سواره خواهند رفت.

درباب قونسول

يك هفته است قونسول اظهار می دارد که صلح انفرادی بین روس و آلمان تمام شده در صورتیکه چند سال قبل اوایل مشروطه ایران در استرآباد به درجه نیابت مأمور بوده خیلی تندخو و سخت بوده حال برعکس گردیده. اولاً همیشه متوحش است. ثانیاً چند مرتبه در کارگذاری اظهار داشته که من در امورات تراکمه اتباع ایران و اهالی شهر دخالت نمی کنم، فقط در امورات رسمی حاضرم. از قوه روسها خیلی کاسته شده است و چند شبنامه برای قونسول در قونسولخانه چسبانیده اند. تا چه اقتضا کند.

درباب آشوب شهر

به تحریک ملامحمد قاسم دموکرات آشوب طلب مدت يك ماهه در استرآباد برای پنج نفر تیر خالی کرده اند و تماماً بی جهت و قصوری که ثابت نبوده معلوم است انقلاب و خرابی مملکت را طالبند. اوایل برای شیخ محمد باقر فاضل چهار ساعت از شب گذشته تیر خالی کرده بودند. دویم برای ملازم محمد باقر خان سردار رفیع بیرون شهر تیر خالی کرده بودند. سیم برای حیدرقلی خان مسعود السلطان مراجعت از هزار جریب بین گدوک

چلرز... ۲۱ میان دره سه‌چهار فرسخی مغربی تیرخالی شده. چهارم برای این بنده حسینقلی آقاوکیل‌الدوله ۲۲ چهار ساعت و نیم از شب رفته مراجعت ازخانه ابوالقاسم‌خان شش نفر دموکرات به تحریک آخوند فوق‌الذکر تیرخالی کرده هشت تیر «براونیک» به فاصله هشت قدم از طرف راست گلوله به دیوار وارد شده آسیبی نرسانید. پنجم برای یک نفر کسبه که پولی از او خواسته بودند نداده تیر می‌زنند. ابدأ به کسی صدمه وارد نشده. لکن مردم شهر به هیجان آمده مشغول دسته بندی [شده] و کمیته اعتدال ۲۳ رافراهم کرده مشغول هستند. تاجه اقتضا کند.

درباب گرسنگی ترکمان

طوایف یموت تاکنون ندانسته که روسها در امورات و شرارت آنها دخالت ندارند. با این گرسنگی که حالیه گوشت اسب و شتر رامی‌خورند، اگر فراغت برای مجازات حاصل نمایند شرارت و اذیت کاملی خواهند نمود.

نمره ۳۵

۲۵ ماه دسمبر ۱۹۱۷

درباب قتل

شب یازدهم ماه دسمبر یک نفر رعیت کرزن کلاه* از فقارت به قریه دنگلان دو فرسخی مغربی رفته گوسفندی سرقت نماید. شبان گوسفند سارق را تیرزده فوت شد. شبان که فرار کرد حاج فخرالملک چند نفر مأمور فرستاده خانه صاحب گوسفند دنگلانی را غارت کردند که چرا شبان قاتل فرار کرده است.

درباب قتل

شب سیزدهم ماه مذکور دزد ترکمان طایفه داز به قریه زنگی محله نیم فرسخی شمالی آمده مالی به سرقت ببرند، اهالی قریه یک نفر سارق را تیرزده شبانه مقتول را به صحرا بردند.

درباب قراسو

لیانازف به قونسول نوشته است پنج هزار پوط برنج برای عملجات لازم است که تهیه شود. چون در استرآباد برای اهالی عسرت و ضیق ۲۴ معیشت است، لهذا از طرف

۳۱- یک کلمه ناخوانا.

۳۲- نخستین موردی است، که نویسنده از خود نام برده است.

۳۳- مقصود ظاهراً شعبه حزب اعتدالی است. ۳۴- اصل: عشرت و ظیق.

* کذا، به این نام در مراجع جغرافیائی نداریم. گوزن از دهات ملک هست (اسامی دهات).

قونسول به مازندران نوشته شد که این مقدار برنج را تهیه کرده برای لیانازوف بفرستند. تاجچه شود.

درباب بارفروش

مکتوباً خبر رسیده است بعد از رفتن مفخرالدوله حاکم بارفروش به سبب اغتشاش قزاقهای محلی متهورانه در کوچه و بازار گردش می کردند، در ضمن^{۲۴} پسر علامه بارفروش را تیر می زدند که مجروح است. بارفروشها به ضدیت قزاقها حرکت نموده آماده نزاع می باشند.

درباب قتل

اشرف الملك پسر عباسقلی خان حاکم اشرف که بالطفعلی خان کلبادی سردار نصرت ضدیت داشته به سردار نصرت خبر می دهند اشرف الملك برای قتل شما مجلس سری تشکیل نموده. ۱۶ ماه مذکور اشرف الملك با دونفر عازم ساری بوده نماینده سردار نصرت بین راه او را با ملازمانش به قتل می رسانند.

درباب اصلاح

بین ورثه مرحوم سعدالله خان ایلخانی برای تصرفات املاک ایلخانی و کلانتری بلوک فندرسک نزاع و جدال بوده، در حکومت حاج فخر الملك طرفین به شهر آمده اصلاح نمودند.

درباب روسها

یکصد و پنجاه نفر توپچیان روسی که در ارگ دولتی منزل دارند هر قدر برای رفتن روسیه آنها را ترغیب می نمایند جواب کرده و نمی روند و حقوق خود را هم مجبوراً می گیرند. لکن قزاقها چندی است حقوق نگرفته تماماً مشغول فروختن اسباب و لباس می باشند و به مرور هم به سمت تاشکند می روند. تاجچه اقتضا کند.

درباب انتشار صلح انفرادی

الیوم که بیستم ماه دسمبر است از طرف قونسول به تمام شهر منتشر شده است روسها با دولت آلمان صلح انفرادی نمودند. بعضی آشوب طلبان استرآباد خوشحالند که به زودی راه روسیه باز شده و مال التجاره وارد خواهد شد. اکثر از مردم برای اندوخته کردن اسکناس روس شب و روز در فکر و خیال هستند که اسکناس صدی به چهار تومان چند ملیون خسارت دارند.

نمره اول

۳۱ دسمبر ۱۹۱۷

درباب بندر جز

اشخاصی که در بندر جز خود را به اسم دموکرات معرفی کرده اند اتباع روس را در بندر جز بی احترامی [کرده] و چوب زده بودند. قونسول میرزا جعفر خان منشی را با دو نفر غلام بندر فرستاده و محرك را چوب بسته ترضیه خاطر قونسول را به عمل آورده مراجعت نمودند.

درباب نفاق

قبل از ورود حاج فخر الملک، ضیاء حضور منشی کابینه به دستور العمل سلیمان میرزا با تجار استرآباد اتحادی نموده مسلک دموکراتی را پیشنهاد کرده، ورود حاج فخر الملک به ملاحظه اینکه تمام اهالی دموکرات می باشند از صاحب منصبان و خوانین چشم پوشیده به عقیده چهار نفر کرباس فروش و یک نفر آخوند ملا محمد قاسم نامی که بعد از مراجعت محمد علی میرزا به روسیه چقدر املاک مردم را باعث فروش و خرابی شده، صاحب ده هزار تومان اثاث البیت و خانه گردیده بکلی استرآباد را هرج ۲۶ و مرج قرار می دهد که هفته قبل راپرت و انقلاب را به عرض رسانیده، من جمله ساعد السلطنه که امروزه اول شخص استرآباد است اوایل مشروطه خواهی با عموم اهالی مساعدت کرده با همین اشخاص بی عقیده زمان محمد علی میرزا همراهی کرده آنها را از کشتن و خسارت نجات داده، لذا نتیجه به عکس بخشیده. بعد از آنکه برای وکالت تیر خالی می نمایند یک باب خانه که متعلق به مادر عیال ساعد السلطنه بود انجمن مهیا کرده دو بیست نفر الواطر ادرب خانه می فرستند. چون یک نفر از کسان ساعد السلطنه به مسلک ایشان وارد شده تظلم می نماید، تحریک کرده اشرار نسبت به عیال ساعد السلطنه و مادر زن او فحاشی می نمایند. خبر به مشارالیه رسیده چند نفر تفنگچی فرستاده به استمداد شیخ محمد باقر فاضل دو بیست نفر اهالی سرچشمه و سبز مشهد به منزل ساعد السلطنه حاضر شدند که همه نوع همراهی نمایند. تجار مزبور از کار خود نادم شده یک هفته است آنچه اسباب اصلاح و یکرنگی را فراهم کرده ساعد السلطنه اعتنائی نمی کند. برای این حرکات شرارت آمیز و آشوب طلبی تجار و آخوند ملا محمد قاسم دو فرقه شده، یک فرقه مردم را باقرآن مجید قسم می دهند برای معدوم شدن علما و سرکرده ها و طرفداران دولت و اجزاء دولت روس و انگلیس که باید هدف گلوله بشوند، یک فرقه به موجب مرام آقا سید محمد کمره ای عموم ایرانی باید همدست بوده خدمت به دولت و نوع خود نمایند. لکن حکومت هم با خیالات خود شب و روز مشغول عیاشی و طرب می باشند، ابدأ خبری از اغتشاش و انقلاب توی شهر ندارد. تا چه شود.

درباب قتل قزاق

بیست و ششم ماه دسمبر سه نفر قزاق اسبهای خود را فروخته از راه قراسو عازم به روسیه بودند. پنج فرسخی شهر محاذی اوبه بش اوسقه دوفرسخ مسافت تا قراسو می باشد يك نفر را توی ارا به تفنگ زده مقتول شد. يك نفر پیاده به قراسو فرار کرده، يك نفر دیگر فراراً به گنبد قابوس می رود. معاون کارگذار به اتفاق مترجم و نایب قونسلخانه به اوبه بش اوسقه رفته دوشب توقف کرده اثری از قاتل و مرتکب نیافتند. نعش قزاق را به قراسو برده دفن کردند. تاجه شود.

درباب مراجعت قشون از شاهرود

بیست و هشتم ماه دسمبر خبر رسید يك عده قشون که در شاهرود بوده از راه قلعه نو به رامیان و گنبد قابوس ملحق گردیده مشغول فروختن اسباب و اسب و غیره می باشند که عموماً به روسیه می روند.

درباب نظمیه

شب سلخ ماه مذکور رئیس نظمیه توی شهر گردش می کند. محله میدان پنج نفر تاجر زاده مست بوده رئیس نظمیه خواست آنها را خلع اسلحه نماید چندتیر براونیک برای رئیس نظمیه خالی کرده فحش زیادی داده رفتند.

درباب تراکمه

ایضاً خبر رسید دو بیست خانوار تراکمه قراداغلی که سرحد خاک بجنورد مسکن داشته اند به سبب نداشتن جو و گندم و پریشانی کوچ کرده زیرحد بلوک کتول در طایفه دویچی آمده ساکن شده اند. تاجه اقتضا . رئیس آنها..... ۳۷

درباب قتل

ایضاً خبر رسیده است یعقوبعلی سلطان ساکن لیوان باعث اندیت اهالی قریه گردیده، مخصوصاً بایک طایفه لجاجت می کند. زراعت آنها را چاپیده و يك نفر پیر مرد را به قتل رسانیده است.

مخابرات استرآباد

١٩١٨

١٨ ربیع الاول ١٣٣٦ - ٢٧ ربیع الاول ١٣٦٧

www.KetabFarsi.com

نمره دوم

نهم جنواری ۱۹۱۸

در باب مراجعت قشو نروس

مدتی است که مشغول فروختن ااثالبیت و اموال غارت شده ترکمانها بوده دسته دسته... ۲۸ که پراخوت وارد می شود، عده ای از قشون حرکت کرده می روند. در صورتیکه حکم شده است عموماً به روسیه عزیمت نمایند. بازهم چهار عراده توپ بایک عده توپچی توقف دارند. لکن شهر را به کلی تخلیه کرده دیوانخانه را که محل اقامت حکام بود بی اندازه خرابی [رسانیده] و خسارت به دولت وارد نموده، سی هزار تومان خسارت و تعمیرات عمارات دولت است که آباد نمایند.

در باب مالیات قریه کردمحل

سه سال است اهالی قریه کردمحل برای خوردن مالیات دولت [دو] فرقه گردیده، نصف معیت مسعودالسلطان، نصف به ضدیت مشارالیه، حاج فخرالملک حکمران چند نفر سوار به اتفاق رضاقلی خان به کردمحل فرستاده مالیات را جمع آوری نمایند. اشخاصی که بامسعودالسلطان همراهی دارند جلوگیری کرده سوارهای حکومتی را چوب زده دوقبضه تفنگ سوار را گرفته از قریه بیرون کردند.

در باب اغتشاش

از شدت گرانی و ضیق معیشت رعیت سدن رستاق و استرابادرستاق از گرسنگی علف با تخم پنبه مخلوط [کرده] و جوشانیده می خورند. به قرب پنج هزار نفر رعیت از بلوک سدن رستاق و انزان باهم اتفاق کرده سه عریضه به حکومت و کمیته های شهری نوشته در صورتیکه ارباب ملک شالی انبار کرده است و رعیت هم گرسنه می باشد، به قیمت سابقه به رعیت بفروشند، والا بلوا نموده هرجائی که انبار اربابی و برای احتکار باشد به غارت می بریم. هشتم ماه جنواری حکومت جواب عریضه را نوشته است. چند روزی صبر نمایید